

علیرضا جهانبخش در گفت‌وگو با قدس می‌گوید برای جام جهانی باید چهار سال دوید

هنوز از زیر آوار بیرون نیامدیم!



امید مافی | وینگر بافراستی که چهار جام جهانی را با

تن‌پوش سفید ایران تجربه کرده و طعم اندوه فصل‌ها و لذت وصل‌ها را چشیده، اینک در ۳۲ سالگی بیش از هر وقت دیگر به گذشته‌اش می‌اندیشد و سال‌های رفته را در خلوتگاه ذهن خود مرور می‌کند.

برای علیرضا جهانبخش خاطرات در سنگچین لحظات، رنگ دیگری می‌گیرند وقتی سر را برمی‌گرداند و از رعد و برق روزگار مشوش نمی‌شود. او حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

■ حذف از دور مقدماتی تلخ بود. حتماً قبول داری؟
بله تلخ بود اما یادتان نرود تیمی به جام جهانی اعزام شد که چالش‌های زیادی داشت و نتوانست یک بازی تدارکاتی شش‌دانگ برگزار کند. بخش مدیریتی، لجستیک و به‌خصوص بخش رسانه‌ای ما که می‌توانستند قبل، حین و بعد از مسابقه در جام جهانی به ما کمک کنند، کنارمان نبودند. این نفرات در سال‌های گذشته و تورنمنت‌های مختلف همراه تیم بودند، اما در اثنای این کارزار مهم حضور نداشتند. شاید

اگر مهربانانه تر با تیم ملی برخورد می‌شد، اتفاق‌های بهتری می‌افتاد.

■ از حیث فنی چه نمره‌ای به تیم ملی می‌دهی؟

ما در برابر بلژیک خوب بازی کردیم و می‌توانستیم برابر این تیم بزرگ برنده باشیم. در پیکار با مصر هم دقایقی از بازی عالی ظاهر شدیم و شاید اگر زودتر در فاز حمله ظاهر می‌شدیم حریف را مغلوب می‌کردیم. به شخصه فکر می‌کنم اگر در بازی اول هوشمندانه‌تر عمل می‌کردیم

■ این روزها چکار می‌کنی؟

هنوز از زیر آوار نتایجی که به حتم می‌توانست بهتر باشد بیرون نیامده و مدام به این فکر می‌کنم که برگه صعود در دستان بود اگر کمی هوشیارتر عمل می‌کردیم. همین حالا هم در رشت هستم و با حضور در سازمان جمعیت هلال احمر گیلان، رسماً به عضویت این نهاد بشردوستانه درآمدم. خدمت به مردم و حضور در کنار امدادگران، افتخاری است که هر انسانی باید در زندگی خود تجربه کند.

امید عالیشاه کاپیتان محبوب پرسپولیس که این روزها از این تیم خداحافظی کرده است برای تیمش هر کاری کرد حتی به قیمت از دست دادن تیم ملی در سال‌های اخیر

وداع با آخرین بازمانده از نسل وفاداران

ترجیح دادن منافع تیم، به قیمت از دست رفتن شانس فیکس شدن در تیم ملی و محروم ماندن از ویت‌رین بازی‌های ملی تمام شود. او تمام هم‌وغم، توان و جان‌ش را وقف پرسپولیس کرد و امروز، سرفراز، مغرور و محبوب‌تر از هر زمان دیگری، این خانه را ترک می‌کند.

■ قاتل خونسرد شهرآورد

اوج پیوند عاطفی امید با سکوها، در تپش‌های تند شهرآورد‌ها رقم خورد. او در تمام این سال‌ها برای رقیب سنتی یک «کابوس ابدی» و یک قاتل خونسرد بود. گل‌های نجات‌بخش، دراماتیک و پیروزی‌بخش او در شهرآورد‌ها، فریادهای جنون‌آمیز شادی را به مغز استخوان هواداران تزریق کرد. فرارهای بی‌رحمانه و ضربات تمام‌کننده او در حساس‌ترین نبرد تهران، برای همیشه در دل و ذهن سرخ‌دلان نقش بسته و غبار هیچ زمانی توان گل کردن نام او را نخواهد داشت. اما بزرگ‌ترین میراث عالیشاه، منش و اخلاق او بود. او در تمام این سال‌های پرفشار، الگویی از متانت بود؛ مردی که جز چند باری آن‌هم محض دفاع از حریم تیمش از کوره دررفت تا همواره مورد احترام عمیق هواداران و بازیکنان تیم‌های رقیب باشد.

شد تا یکی از مهم‌ترین رکوردهای پروین پس از ده‌ها سال توسط او شکسته شود. کاپیتان سرانجام در دیدار سرنوشت‌ساز با النصر در لیگ نخبگان قهرمانان آسیا، برای دویست‌وهشتادمین بار با پیراهن سرخ به میدان رفت تا رسماً رکورددار تاریخ پرسپولیس شود. او در نهایت با ثبت ۲۹۹ بازی به کار خود خاتمه داد؛ عددی فراتر از یک آمار، که نماد یک عمر وفاداری است.

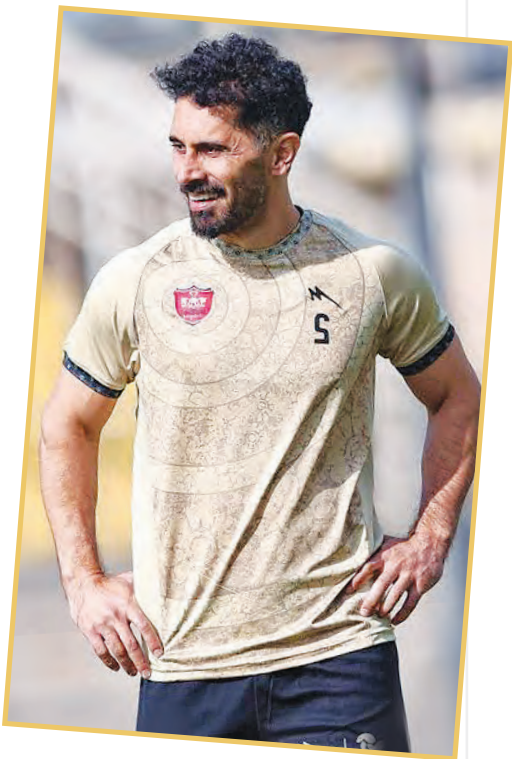
■ بهای سنگین برای عشق

در فوتبال امروز کمتر بازیکنی پیدا می‌شود که منافع شخصی، شهرت ملی و آینده خود را فدای باشگاه و دل هواداران کند. اما امید عالیشاه این افتکاری بزرگ را به جان خرید. او در تمام این سال‌ها بارها به عنوان بهترین پاسور و باکیفیت‌ترین بازیکن لیگ انتخاب شد و از نظر فنی در اوج قرار داشت؛ با این حال، هر زمان که پرسپولیس زخمی در بحران مهره دست‌وپا می‌زد، عالیشاه بدون کوچک‌ترین اعتراضی در پست‌های غیرتخصصی و ناآشنا به میدان رفت. او یک «آچار فرانسه» گوش به فرمان بود که ترجیح داد پرسپولیس محبوبش لنگ نماند، حتی اگر این تنوع پست‌ها و

امین غلام نژاد | در روزگاری که نسل اسطوره‌های تک‌باشگاهی و وفاداران ابدی چون پائولو مالدینی، فرانکو بارسی، جوزپه برگومی و فرانچسکو توتی منقرض شده به نظر می‌رسید، در فوتبال ایران مردی برخاست که معنای تازه‌ای به پیراهن و واژه «تعصب» بخشید. امید عالیشاه، کاپیتانی از جنس صبوری، شکوهمندانه پیراهن شماره ۲ دوست‌داشتنی‌اش را از تن درآورد تا یکی از افتخارآمیزترین فصول تاریخ باشگاه پرسپولیس ورق بخورد. او سال‌ها با خوب و بد سرخ‌ها ساخت. در روزهای بحران و پنجره‌های بسته ایستاد، در روزهای اوج و فتح جام‌ها بازو بندرهبهری را بر بازو بست و جوانی‌اش را، قطره‌قطره، پای این عشق گذاشت. او پرسپولیس را زندگی کرد و حالا با کوله‌باری از رکوردهایی ماندگار، غزل خداحافظی را می‌سراید.

■ زانو زدن رکورد «سلطان»

علی پروین در پرسپولیس همواره به عنوان سلطان رکوردهای دست‌نیافتنی شناخته می‌شد؛ مردی که گمان می‌رفت هیچ‌کس به گرد حصار آمارهای تاریخی‌اش نخواهد رسید. اما حضور مستمّر، بی‌منت و خستگی‌ناپذیر امید عالیشاه در پرسپولیس موجب



گزارش روز

تداوم موج کوچ ایرانی‌ها به لوسیل

«۱+۱» پرسپولیسی در مسیر لیگ ستارگان قطر؟

و سوسه‌انگیز به دنبال خرید دو یار پرسپولیسی هستند.

■ پیشنهاد و سوسه‌انگیز برای عمری

محمد عمری، وینگر بیست‌وشش ساله پرسپولیس که سه فصل دیگر با سرخ پوشان پایتخت قرارداد دارد و در فصل اخیر یک گل در ۱۱ بازی پرسپولیس زد، حالا با پیشنهاد حضور در لوسیل مواجه شده که براساس خبرهای واصله، با پیشنهاد ۶۰۰ هزار دلاری مدیران باشگاه قطری امیدوارند بتوانند وینگر جوان پرسپولیس را به عضویت تیم خود در بیاورند تا با حضور محمد عمری در فهرست تیمشان، شمار بازیکنان ایرانی شاغل در لوسیل به عدد هفت برسد. گفته می‌شود عمری با توجه به ترافیک موجود در پست وینگر، تمایل دارد لژیونر شود.

■ هایچک نعمتی به مقصد لوسیل؟

قطری‌ها همچنین به دنبال یک هایچک مهم هستند و در شرایطی که پرسپولیس و سپاهان برای جذب علی نعمتی تلاش می‌کنند، گویا او یک پیشنهاد ۵۰۰ هزار دلاری برای حضور در لوسیل دریافت کرده که این مدافع با تجربه با سابقه حضور در جمع سرخ‌پوشان پایتخت و بازی در جام جهانی ۲۰۲۶، پس از جدایی از فولاد، بی‌میل نیست لژیونر شود و در شرایطی که با مدیران دو باشگاه پرسپولیس و سپاهان به توافق مالی نرسیده، احتمال انتقال وی به لوسیل بیش از پیش افزایش یافته است.

و نیوزیلند را می‌بردیم راه صعود کاملاً هموار می‌شد.

■ چهار دوره حضور در جام جهانی را در کارنامه‌ات داری. فکر می‌کنی چرا فوتبال ما همواره پشت دیوار صعود می‌ماند؟
فوتبال دیگر مثل گذشته نیست که در انحصار چند کشور مدعی باشد. در همین جام دیدید که کیپ‌ورد چطور برابر غول‌ها صفا‌آرایی کرد. برای موفقیت در آزمونی مثل جام جهانی باید چهار سال دوید، برنامه‌ریزی کرد، لیگ قدرتمندی داشت و همه چیز را به چند ماه آخر موکول نکرد. به هر حال فوتبال ما هنوز مشکلات زیرساختی متعددی دارد.

■ حالا علیرضا جهانبخش به باشگاه صدتایی‌های فوتبال ملی پیوسته. رسیدن به این موفقیت کار سختی بود؟

من همیشه سعی کردم خودم را آماده نگه دارم، حرفه‌ای زندگی کنم و حرفه‌ای کارم را پیش ببرم. به هر حال افتخار بزرگی است که رکورد ۱۰۰ بازی ملی را زدم و ۱۰۰ هزار خاطره در دفتر زندگی‌ام ثبت کردم. این موفقیت حاصل بیش از یک دهه دوام، تجربه، فشار و لحظه‌های بزرگ در پیراهن تیم ملی است.

■ چند گل برای تیم ملی زدی. خاطرت هست؟

اگر اشتباه نکنم ۱۷ گل زدم. آمار پاس گل‌هایم البته بیشتر از این هاست و مفتخرم که توانستم با همه وجود برای کشورم بجنگم و در حد توانم مفید باشم.

■ شنیدیم در تیخوانا یکی از محبوب‌ترین توپچی‌های ایران بودی.

بی‌تعارف تیخوانا تا ابد خانه دوم ماست و محبت مردمان این نقطه از دنیا را فراموش نمی‌کنیم. من در این شهر آن قدر سلفی گرفتم و امضا دادم که فکر کردم در کشور خودم به سر می‌برم. برخلاف برخی اظهارنظر‌ها تیخوانا جای امنی برای تیم ملی بود.

«جود بلینگام» عملکرد اسطوره‌های گذشته انگلیس را معمولی جلوه می‌دهد

جود بلینگام در این جام جهانی آن قدر درخشان بوده که عملکرد اسطوره‌های گذشته انگلیس مانند دِل گاسکوئین در جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا را یک نمایش معمولی جلوه می‌دهد.

این حرف نه برای کوچک شمردن «گازا»، بلکه تمجیدی از یک بازیکن جوان استثنایی است که در یک تورنمنت ملی، بیش از هر فوتبالیست انگلیسی پیش از خود تأثیرگذار بوده است. هواداران مسن‌تر شاید به سال ۱۹۶۶ بازگردند و بپرسند چگونه می‌توان گفت بلینگام از آن اسطوره‌ها فراتر رفته است. بازیکنانی که در سرنوشت‌سازترین مسابقات تأثیرگذار بودند، از جمله سِر جف هرست که در فینال مقابل آلمان غربی هت‌تریک کرد. اما اگر بخواهیم عملکرد یک بازیکن را در طول ۶ مسابقه جام جهانی بسنجیم، سطح نمایش بلینگام با هیچ چیز دیگری که به‌خاطر دارم قابل مقایسه نیست. هیچ بازیکن انگلیسی تاکنون در یک جام جهانی بیش از او در جریان بازی گل نزده است. نمایش‌های گاسکوئین در ایتالیا تا این حد به یادماندنی شد، زیرا او عملکردی در حد‌بهترین بازیکنان جهان داشت. یک ملت شیفته مهارت و شخصیت یک او شد، نایفه‌ای که اگر شکست در ضربات پنالتی نبود، شاید الهام‌بخش قهرمانی انگلیس می‌شد. با این حال، گازا در آن تورنمنت حتی گل گل هم نزد. بنابراین نمی‌توان به یک تأثیر تعیین‌کننده سرنوشت تیم در کارنامه او اشاره کرد.

بلینگام امابه متخصص عملیات نجات انگلیس تبدیل شده است، آنچه عملکرد او را حتی شگفت‌انگیزتر می‌کند این است که فقط پنج هفته پیش حضورش در ترکیب اصلی چندان قطعی به‌نظر نمی‌رسید. اکنون تصویر چنین چیزی غیرممکن است.

مدیریت شخصیتی توخل در قبال بلینگام بی‌نقص بوده است؛ او ستاره جوان‌ش را به گونه‌ای آماده کرد که هنگام ورود به ایالات متحده احساس کند باید چیزی را به مربی خود ثابت کند. بهترین مربیان نه فقط تاکتیک‌دان بلکه روان‌شناس نیز هستند. شخصیت بازیکنانشان را می‌شناسند و می‌دانند چه زمانی به حمایت و چه زمانی به چالش نیاز دارند.

وقتی بلینگام فصل گذشته از فهرست تیم ملی کنار گذاشته شد، آن هم پس از اظهارنظرهای انتقادی علیه توخل، دشوار است. باور کنیم چنین مربی دقیقی از تأثیر احتمالی این تصمیم بی‌خبر بوده باشد. تنش میان مربی و بازیکن بار دیگر در مصاحبه پس از پیروزی مقابل نروژ آشکار شد. گویی آتشی زیر بلینگام روشن شده است. نتیجه چنین رویکردی را فقط می‌توان در زمین مسابقه سنجید و نمایش‌های بلینگام خود گویای همه چیز است. بنابراین هرچند تمام اعتبار بابت درخشش به خود او تعلق دارد، نادیده گرفتن نقش توخل نیز ساده‌لوحانه خواهد بود. تنها مربیان بسیار قدرتمند جرئت می‌کنند ستاره‌های تیمشان را اینچنین به چالش بکشند.

همیشه می‌دانستیم بلینگام یک بازیکن در سطح جهانی است. اکنون بسیاری از ما می‌پذیریم که او حتی بهتر از تصوراتمان ظاهر شده است. از زمانی که او در فوتبال مطرح شد، واضح‌ترین نقطه مقایسه‌اش استیون جرارد بود. جرارد به عنوان یک هافبک، تقریباً همه چیز داشت، اما اگر بخواهم یک نقطه ضعف برای او پیدا کنم، شاید این باشد که هنگام حضور در تیم ملی به اندازه کافی مغرور نبود. گاهی احساس می‌کردم باید وارد رختکن شود و به همه بفهماند که مرد اول تیم است. اما این در شخصیتش نبود. بلینگام این اعتمادبه‌نفس را دارد. از همان لحظه‌ای که پیراهن رئال مادرید را بر تن کرد، چهره کسی را داشت که با خود می‌گفت: «من شایسته حضور در اینجا هستم و می‌توانم بهترین بازیکن این باشگاه باشم». برخی چنین نگرشی را منفی می‌دانند، اما برای فوتبال‌یستی که وارد سال‌های اوجش می‌شود به بزرگ‌ترین باشگاه جهان می‌پیوندد. این یک ویژگی منفی نیست. این اعتمادبه‌نفس در شوه بازی او کاملاً مشهود است. برای درخشیدن در بزرگ‌ترین صحنه‌ها و دشوارترین ورزشگاه‌ها، باید ذهنیتی داشت که بازیکنان خوب را از بزرگ‌ترین‌ها جدا می‌کند.

اگر انگلیس با آرژانتین و فرانسه روبرو شود، او باشگفتی و تحسین به‌مسئ و امایه نگاه نخواهد کرد. او با این باور دست آن‌ها را خواهد فشرد که می‌تواند از آن‌ها نیز بهتر بدرخشد.

پس از مرحله یک‌شانزدهم‌نهایی، معتقد بودم اگر هری کین جام جهانی را ببرد، شاید به بزرگ‌ترین فوتبالیست تاریخ انگلیس تبدیل شود. هنوز هم بر این باور هستم، اما اگر چنین اتفاقی رخ دهد، سلطنت او در صدر چندان طولانی نخواهد بود، زیرا تا پایان دوران حرفه‌ای اش، این افتخار به جود بلینگام خواهد رسید.

خبر

پیاتزا تا المپیک ۲۰۲۸ سرمربی تیم ملی والیبال خواهد بود

در روزهای اخیر شایعاتی درباره احتمال جدایی روبرتو پیاتزا از هدایت تیم ملی والیبال ایران مطرح شده بود، اما میلاد تقوی، رئیس فدراسیون والیبال به این گمانه‌زنی‌ها پایان داد: «از پیاتزا حمایت می‌کنیم و او تا پایان المپیک ۲۰۲۸ به‌عنوان سرمربی در خدمت تیم ملی خواهد بود. برای ما، سربلندی والیبال ایران بر هرگونه حاشیه اولویت دارد. اگر صرفاً نتیجه‌گرا باشیم، باید بپذیریم که جوان‌گرایی هزینه دارد».

روس‌ها خیال پرسپولیس را راحت کردند

باشگاه روبین کازان به صورت رسمی رضایت‌نامه کسری طاهری را برای حضور در پرسپولیس صادر کرده است. این رضایت برای حضور یک فصل در پرسپولیس به صورت قرضی صادر شده و به واسطه آن کسری باید در پایان لیگ بیست و ششم به روبین کازان برگردد. با این تفاسیر باشگاه پرسپولیس به طور رسمی از کسری طاهری به عنوان مهاجم جدید خود رونمایی کرد و احتمالاً شاهد حضور او در تمرینات سرخ‌پوشان در روزهای آینده باشیم.

